

به نقل از: پیام فدایی، ارگان چریکهای فدایی خلق ایران شماره ۳۰۱، مهر ۱۴۰۳

به یاد فراموش نشدنی جان های شیفته دهه ۶۰

"ما زندانیان خسته این خاک نیستیم

زندانیان خسته این خاک دیگرند

زندانیان خسته این خاک، در بند کارخانه و کار ستمگرند

انبوه سرخ رنجبران امروز زندانیان خسته زندان کشورند

ما زندانیان خسته این خاک نیستیم "

شاعر فدایی، سعید سلطانیپور

تابستان هر سال یادآور یکی از وحشیانه ترین کشتارهای رژیم دار و شکنجه جمهوری اسلامی در سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۲ و کشتارهای سیستماتیک و سازمان یافته علیه زندانیان سیاسی در سال ۱۳۶۷ کشورمان می باشد.

در سالگرد این جنایت تاریخی، خانواده های دلیر و داغ دیده قتل عام دهه شصت با وجود همه سرکوب ها، تهدیدها و بگیر و بندها، با هر چه در توان دارند، یاد و راه عزیزانشان را گرامی می دارند. بدون شک وظیفه همه انسان های آزادیخواه و مبارز است که در زنده نگه داشتن یاد و خاطره بهترین فرزندان این مرز و بوم که از دل مبارزات مردم ما برخاستند و بدست دژخیمان حاکم، شکنجه و جان باختند و عاشقانه از آرمان های آزادی، دموکراسی و سوسیالیسم دفاع کردند را پاس بدارند و از همه مهم تر با عهد مبارزاتی خود، ادامه دهنده مبارزه و نسل دیگری از سلاله عاشقان باشیم. بدون هیچ تردیدی، کشتارهای جنون آمیز رژیم جنایتکار حاکم، زخمی عمیق و فراموش نشدنی بر پیکر جنبش انقلابی مردم ما بر جای گذاشت، بطوریکه در طول چند ماه نسلی از بهترین، جسورترین و آگاه ترین انسان های کشورمان را به جرم مبارزه برای آزادی، برابری و دموکراسی، به رذیلانه ترین و وحشیانه ترین شکل به قتل رساندند. کشتار هزاران هزار، جان های شیفته که بدون کمترین برخورداری از حقوق انسانی، بدون محاکمه و یا بدون وداع با عزیزان و وابستگان شان به دار کشیده شدند. کفتارهای خونخوار رژیم دار و شکنجه برای پوشاندن جنایت تاریخی خود، بلافاصله پس از کشتارهای ددمنشانه، اجساد قربانیان را در بیابان ها و "خاوران" های شهرهای کشور به صورت جمعی دفن کردند. جلادان حاکم، اگر چه با این نسل کشی از قبل تدارک دیده شده، هر چند برای مدتی، موفق به نجات و حفظ نظام گنبدیده خود گردیدند اما هیچگاه نمی توانند این جنایت تاریخی را از ذهن مردم ما و بویژه جوانان مبارز و آگاه از بین ببرند.

همانطور که شاهد هستیم، امروز پس از گذشت بیش از سی سال از این جنایات ددمنشانه، هنوز انسان های آگاه و مبارزی هستند که اثرات شکنجه های قرون وسطایی و وحشیانه را پس از این همه سال بر تن دارند و در هر جایی که هستند به افشاگری این نسل کشی تاریخی رژیم دار و شکنجه می پردازند. چنانچه در قسمتی از کتاب گفتگوهای زندان شماره ۲، صفحه ۲۵، توسط "جمعی از زندانیان سیاسی زن" در افشای جنایات و نسل کشی رژیم جمهوری اسلامی چنین آمده است: "در سال ۱۳۶۰ زندانیان پسر و دختر دسته جمعی به دادگاه برده می شدند و گیلانی بدون دیدن آنها و خواندن متن کیفر خواست، تنها زیر لیست حکم اعدام را امضاء می کرد. یکی از این موارد حکم اعدام ۹۶ زندانی بود که با امضای گیلانی به اجرا در آمد. گیلانی عامل اعدام هزاران زندانی، حتی حکم اعدام پسران خود را نیز امضاء کرده بود. اعدام ها معمولاً به هنگام شب در تپه های اوین، پشت بندها به اجرا در می آمد و زندانیان از شمارش تیرهای خلاص به تعداد اعدامی ها هر روز پی می بردند. در بسیاری از شب های شهریور و مهر ۱۳۶۰ زندانیان بند ۲۴۶ زن، ۱۲۰ تیر خلاص را شمارش کردند."

و یا در جایی دیگر محمد هشی یکی دیگر از بازماندگان زندانیان سیاسی دهه ۶۰، در قسمتی از سخنرانی های خود در سال ۲۰۱۷ در آمستردام چنین می گوید. "از سال ۶۰ به دخترها تجاوز کردند چه قبل از اعدام چه بعد از حکم اعدام، تازه اواسط دهه ۶۰ متوجه شدند که اگر کسی بهش تجاوز شده بگذارند زنده بماند بیشتر باعث رعب و وحشت می شود تا کسی که مرده. در زندان به اسم صیغه به زنها تجاوز کردند، بزرگترین جنایات های جنسی را در حق زن های زندانی در جمهوری اسلامی انجام می دادند."

کشتار و شکنجه دهه شصت زندانیان سیاسی در سیاهچال های رژیم سرکوبگر حاکم از چنان زذالت و پستی و وحشی گری برخوردار بود که یکی از جلادان رژیم بنام رحمانی گفت: "کاری کردیم که اسرائیلی ها باید از ما یاد بگیرند" (گفتگوهای زندان شماره ۳، صفحه ۱۹، گزارش کوتاه از وضعیت زندان های ایران نوشته مرجان، فریده و ستاره).

سران و مزدوران رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی در سال های ۶۰ و بخصوص در قتل عام سال ۶۷ به دستور اربابانشان در زندان های کشور چنان گورستانی به راه انداختند که بقول شاعر: "و گورستانی چندان بی مرز شیار کردند

که بازماندگان را

هنوز از چشم خونابه روان است."

تجمع هر ساله خانواده‌های جانباختگان دهه شصت در گلزار خاوران و گلباران مزار عزیزانشان در شهرهای مختلف ایران با وجود سرکوب‌ها و تهدیدهای کرکسان حاکم نشانگر آنست که این عزیزان تحت هیچ شرایطی جنایت و کشتارهای سراسری کرکسان را به حق به فراموشی نخواهند سپرد و تا مجازات انقلابی عاملین آن یعنی سران نظام سرکوبگر و حامیان بین‌المللی‌شان در دادگاه‌های مردمی از پای نخواهند نشست.

رژیم دار و شکنجه جمهوری اسلامی، پس از چند سال کشتارهای ادامه دار در زندان‌ها در سال ۶۷ و با تأیید خمینی جنایتکار، برای کشتاری دیگر از زندانیان سیاسی، هئیت مرگی از آدمکشان و تبهکارانی را تشکیل داد که دست به کشتار وسیع دیگری از زندانیان سیاسی زدند که هنوز نوجوان بودند و حتی به سن قانونی نرسیده بودند و دوران شکنجه‌های وحشیانه را سپری کرده بودند، همچنین کسانی را که پس از گذراندن دوران حبس‌اشان آزاد شده و مشغول زندگی عادی خود بودند. مزدوران رژیم به دستور سران رژیم دوباره بدون هیچ دلیل و مدرکی آنان را دستگیر و روانه زندان‌ها کرده و به جوخه‌های اعدام سپردند و در ادامه این جنون‌ها و وحشی‌گری‌ها برخی از زندان‌ها مانند زندان رشت را آتش زدند و زندانیان را در آن سوزاندند.

واقعیت این است که قتل عام جنون‌آمیز زندانیان سیاسی دهه ۶۰ بدست رژیم جنایتکار که نقطه اوج کشتار سیستماتیک، کمونیست‌ها، نیروهای مبارز و آزادیخواهی بود که برای تحقق آرمان‌های انسانی و بوجود آوردن یک جامعه دموکراتیک و آزاد بپا خاسته بودند، بدون دستور اربابان امپریالیستی که آگاهانه نظاره‌گر این پروژه جنایتکارانه برای تداوم و عمر ننگین رژیم وابسته‌اشان بودند و اشک تمساح ریخته و خود را مدافع به اصطلاح حقوق بشر و دموکراسی نشان می‌دادند، امکان پذیر نبود.

همانطور که شاهد بودیم قدرت‌های امپریالیستی در سال ۶۷، در حالی که زنان، جوانان و مردم کشور دسته دسته پس از شکنجه‌های وحشیانه به قتل رسیدند، و به دنبال پایان پروژه جنگ فرسایشی هشت ساله و کشته شدن بیش از یک میلیون تن از مردم ایران و عراق، به بهانه بازسازی خرابی‌های جنگ با سرمایه‌گذاری‌های جدید به غارت و چپاول دسترنج کارگران و ستمدیدگان پرداخته و با تشدید استثمار و سوجدویی بی‌اندازه جیب‌های خود را پر کردند.

بنابراین رژیم فاسد جمهوری اسلامی برای تامین این جنایتکاران جهانی، ضرورت کشتار سراسری زندانیان سیاسی را که از پتانسیل بزرگ مبارزاتی برخوردار بودند و تهدیدی جدی برای امنیت و منافع اربابانشان بود را در راس برنامه‌های خود قرار داده و با به راه انداختن شنیع‌ترین جنایت‌های بشری، حمام خونی در سراسر کشور به راه انداختند تا بار دیگر چاکری، زبونی و دیوژگی خود را به اربابان سرمایه ثابت کنند و به خیال خام خود چند صباحی به عمر نکبت خود ادامه دهند.

در سالگرد قتل عام زندانیان سیاسی دهه ۶۰، با درس‌گیری از گذشته و تجارب بسیار تلخ و دردناکی که مردم ما چه در رژیم وابسته شاه و چه در رژیم دارو شکنجه وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی از سر گذراندند، دیگر نباید اجازه داد که دردها و رنج‌های توصیف‌ناپذیر تکرار شود.

بنابراین وظیفه ما است که با تمام قوا علیه کشتار و شکنجه این جانین بپاخیزیم و با ارتباط با خانواده‌های زندانیان سیاسی، عاملین و جنایتکاران کشتار دهه ۶۰، و امر دادخواهی مردم کشورمان را تنها و تنها در یک انقلاب توده‌ای علیه کلیت رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی و تمام وابستگان منفور آن تحقق بخشیم.

وظیفه ما است که آگاهانه با نفوذ سیاست‌های ضد انقلابی امپریالیست‌ها و مزدوران حلقه به گوش آنان به مبارزه و افشاء پرداخته و سلطه جنگ طلبانه، استثمارگرانه و جنایتکارانه آنان را از مردم و کشورمان از بین ببریم و آرمان جان‌های شیفته را پاسخ گو باشیم.

جاودان باد خاطره تمام شهدای به خون خفته خلق!

نابود باد رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی

پیروز باد انقلاب! زنده باد سوسیالیسم!

اکبر نوروزی